

واکاوی مفهوم بحران در گفتمان قرآنی

hmsirat81@gmail.com

کهنه حسین محمدی سیرت / عضو هیئت علمی دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام

ghasempour@kashanu.ac.ir

محسن قاسم‌پور / دانشیار دانشگاه کاشان

پذیرش: ۹۴/۳/۲۲

دریافت: ۹۳/۵/۲۹

چکیده

بحران اجتماعی مفهومی امروزی است که در ادبیات علوم اجتماعی معاصر تولید گردیده و نمی‌توان معادل عینی برای این مفهوم در قرآن کریم یافت؛ از این رو، به منظور دستیابی به تعریف قرآنی از آن، مفاهیم قرآنی معادل بحران را یافته و در یک پویش تحلیلی، واژگان مرتبط را تحلیل نموده‌ایم. روش انتخاب واژگان قرآنی بر اساس دو ملاک است: حوزه معنایی مشابه و مصادیق خارجی مشترک. این روش نوعی نگاه معناشناسانه ایزوتسویی به منظور فهم مفاهیم قرآن کریم است. دوازده واژه استخراج گردید و سپس در تحلیلی مفهومی با مفهوم متعارف بحران اجتماعی مقایسه و در قالب نسبت‌های منطقی چهارگانه بیان شد. بررسی تحلیلی نشان می‌دهد: وقوع بحران اجتماعی امری مطلوب نبوده و مواجهه منفعلانه با آن پذیرفته نیست؛ در دیدگاهی فعال و پویا، بحران اجتماعی طبیعت خلقت جامعه انسانی و سنت الهی است؛ بحران امتحانی حتمی محسوب و غیرمنتظره نیست و مؤمن رویارویی با آن را فرصتی برای رشد می‌داند؛ بحران مفهومی دو وجهی است از فرصت و تهدید، مدیریت قرآنی بحران‌های اجتماعی رویکردی فعال است.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، بحران، فتنه، کبد، عُسر، حرج.

مقدمه

همچنین کتاب *گونه‌شناسی بحران‌ها و راه‌کارهای مقابله با آن* (۱۳۸۱)، اثر معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در نیروی مقاومت بسیج به صورت مختصر به بحران‌های متعدد دوره انقلاب پرداخته و به بررسی نقش ولی فقیه در اداره بحران‌ها اشاره نموده است. نقطه قوت این آثار آن است که در موضوع‌شناسی و شناخت ماهیت و اصول حاکم بر بحران‌ها، دارای دقت بالایی هستند. اما نقص عمومی آنها، عدم توجه به مبانی اسلامی و قرآنی و ملاحظات بومی است.

دومین دسته آثار، به مطالعه نوع خاصی از بحران‌ها پرداخته‌اند و سعی در توصیف بحران‌های موردنظرشان دارند؛ همچون کتاب *مدیریت بحران‌های بین‌المللی*، تألیف *علی اصغر کاظمی* که با ارائه یک طبقه‌بندی مناسب از بحران‌ها و ترسیم کانون‌های بحران در جهان و خاورمیانه و تاکتیک‌های مهار آنها به مطالعه موردی بحران کوبا و کره پرداخته است (کاظمی، ۱۳۶۶). پایان‌نامه *مصطفی حیدری* سعی دارد با مطالعه عملیات‌های مهم و حساس در دوران جنگ تحمیلی و اصول و الگوهای به کاررفته در این عملیات‌ها به الگویی بومی از مدیریت بحران دست یابد (حیدری، ۱۳۸۶). ایراد و یا کمبود این آثار آن است که همانند آثار دسته پیشین توجه ویژه‌ای به ملاحظات قرآنی ندارند، البته در این تحلیل‌ها عناصر بومی در نظر گرفته شده است.

سومین دسته از آثار به نقش مؤلفه‌ها و شاخص‌های گوناگون در بحران‌ها می‌پردازند و سعی دارند میزان اثرگذاری یک یا چند عامل را در بحران بررسی نمایند. برای مثال، *شارون پی مک‌کارتی* در کتاب *نقش اطلاعات در مدیریت بحران: درآمدی محور دوقطبی مصرف‌کننده و تولیدکننده اطلاعات*، صرفاً به نقش اطلاعات در مدیریت

مبانی علوم انسانی معاصر، مبانی غربی و در برخی موارد غیردینی می‌باشد و با ساختارهای رایج اجتماعی و فرهنگی اسلامی و ایرانی همسویی ندارد. از آنجا که علوم انسانی بومی و هماهنگ با باورهای مذهبی و قومی نیاز مبرم هر جامعه‌ای است، تلاش در جهت تولید ادبیات علوم انسانی - اسلامی تلاشی ضروری به نظر می‌رسد. نقص و کمبود و کپی‌برداری‌های ناشیانه از الگوهای غربی علوم انسانی، موضوعی ملموس، شفاف و قابل درک است.

بدیهی است که تولید علوم انسانی اسلامی و ایرانی بدون توجه به قرآن کریم، که یکی از منابع اصلی اندیشه‌های دین مبین اسلام است، امکان‌پذیر نیست و باید توجهی اساسی به این منبع الهی برای درک معارف دینی داشت. در این تحقیق درصدد آنیم که با نگاهی قرآنی به تحلیل و بررسی یکی از موضوعات مطرح در علوم انسانی بپردازیم. «بحران» اجتماعی یکی از امور مهم در زندگی روزمره جوامع انسانی است و پژوهشگران و مدیران نمی‌توانند جامعه‌ای را بدون توجه به بحران‌های آن درک و مدیریت نمایند. اما رویکردها و الگوهای ارائه شده در مطالعه بحران‌های اجتماعی اصولاً بر اساس مبانی غربی و غیردینی طراحی شده‌اند، که البته در بسیاری موارد قابل بهره‌برداری‌اند، لکن با توجه به مبانی متفاوت غربی، ارائه توصیف دینی و قرآنی از بحران اجتماعی ضروری به نظر می‌رسد.

آثار موجود در این حوزه را می‌توان به سه دسته کلی تقسیم نمود. اولین دسته، منابعی هستند که در آنها چیرستی بحران‌ها مدنظر بوده‌اند؛ مانند کتاب *بحران، تعارض و بی‌ثباتی*. در این کتاب، نویسنده به بررسی بحران‌های اجتماعی و سیاسی و تأثیر آنها بر حاکمیت سیاسی می‌پردازد (برچر مایکل و ویکلفند جانانان، ۱۳۸۲).

بتوان نسبت آنها را با مفهوم بحران مورد ارزیابی و تحلیل قرار داد؟

سؤالات فرعی دیگری پاسخ داده می‌شود؛ از جمله: نگاه قرآن به بحران‌های اجتماعی چیست؟ آیا رویکردی فعال دارد و یا منفعل؟ نسبت جهان‌بینی قرآنی و بحران‌های اجتماعی چیست؟

از آنجا که مفهومی کاملاً مطابق با مفهوم نوین بحران اجتماعی در قرآن یافت نمی‌گردد، واژه‌های مرتبط با مفهوم بحران را کشف و تحلیل نموده، با مفهوم مصطلح بحران در علوم اجتماعی مقایسه می‌نماییم و در نهایت، در نتیجه این مقایسه‌های مفهومی، دیدگاه و تعریف قرآن کریم به مفهوم بحران را بیان می‌کنیم.

۱. چارچوب مفهومی

در اغلب موارد، عامل شکاف و چنددستگی میان دانشمندان علوم اجتماعی زبان مشترک است. «بحران» هم از این قاعده مستثنا نیست. «بحران» مانند بسیاری از مفاهیم علوم انسانی مفهومی سیال و پیچیده است و تعاریف بسیاری از آن ارائه گردیده و بسته به دیدگاه تحلیلگر، نویسنده و یا هر مخاطب دیگری معنای خاص خود را یافته است.

۱-۱. مفهوم بحران

لغت‌نامه وبستر برای واژه «بحران» (Crisis) سه دسته معنی در نظر گرفته است: ۱. الف. نقطه عطف از یک حالت بد به یک حالت خوب‌تر در یک بیماری حاد یا تب؛ ب. حمله پروگزیمال (Proximal) یا درد، ناراحتی، یا اختلال عملکرد؛ ج. یک رویداد عاطفی قابل توجه و یا تغییر ناگهانی در وضعیت زندگی یک فرد؛ ۲. لحظه‌ای تعیین‌کننده؛ ۳. الف. زمان ناپایدار یا حیاتی یا شرایطی از

بحران پرداخته است (مک‌کارتی، ۱۳۸۱). همچنین در مقاله «نقد و بررسی نظریه‌های مطرح درباره نقش رسانه در مدیریت بحران»، نویسنده آراء و نظریاتی را بررسی می‌کند که به نقش رسانه در بحران توجه دارند (آقایی، ۱۳۸۷). این دسته از آثار مطالعاتی هستند که قابل تعمیم نبوده و از منظری خاص و با در نظر گرفتن متغیری ویژه به بررسی بحران پرداخته‌اند. در این نوع مطالعات به اصول اسلامی و مبانی قرآنی توجه نشده است.

بنابراین، بیشتر آثار تولیدی در حوزه بحران‌های اجتماعی بر اصول رایج علوم اجتماعی که زاده اندیشه‌ای غربی است اشاره دارند. به نظر می‌رسد این پژوهش بتواند در یک مطالعه میان‌رشته‌ای، با بهره‌برداری از تعاریف رایج بحران و استخراج مفاهیم قرآنی، گامی در جهت شکل‌گیری ادبیات اسلامی و انسانی برداشته باشد. پرداختن به مفهوم بحران اجتماعی از منظر قرآن کریم، کمتر مورد توجه اندیشمندان و محققان مطالعات قرآنی قرار گرفته است. برای مثال، در معجم‌ها و *دائرةالمعارف‌های قرآنی همچون التحقیق، مجمع البحرین، المفردات، لسان‌العرب، قاموس، العین، دائرةالمعارف قرآن کریم و دانشنامه قرآن کریم* مفهوم بحران به معنای مصطلح آن مورد بررسی و تحقیق قرار نگرفته است. از این رو، با توجه به خلأ تئوریک موجود در زمینه مطالعه قرآنی بحران شاید بتوان این تحقیق را پژوهشی جدید دانست و از آنجا که در صدد ارتباط میان‌رشته‌ای در حوزه مطالعات اجتماعی و قرآنی است، می‌توان آن را یک نوآوری در حوزه مطالعات بحران‌های اجتماعی به‌شمار آورد.

سؤال اصلی پژوهش آن است که قرآن کریم منبع اندیشه و معرفت دینی است، آیا در آموزه‌های قرآنی شاخص‌ها یا دست‌کم واژگانی وجود دارد که بر اساس آن

روش شناختی، مطالعات بسیاری درباره بحران انجام گرفته، لیکن چنین تلاش‌هایی نه‌تنها موجب ارائه تعریفی شفاف از این مفهوم نشده، بلکه درک آن را به مراتب پیچیده‌تر کرده‌اند (رابرت، ۱۹۸۸، ص ۹).

بحران با مفاهیم بسیار مرتبط است: «درگیری، ستیز، بی‌ثباتی، انقلاب، شورش، اسقاط نظم و نظام حاکم» (اسماعیلی، ۱۳۸۸، ص ۱۳). همین مفاهیم متنوع، خود گواه دشواری تعریف بحران است. دال مفهوم بحران به مدلول وجود ندارد و رابطه قراردادی است و مفهوم بحران، مصادیق خود را در بستر گفتمان‌های گوناگون می‌جوید (تاجیک، ۱۳۷۹، ص ۴۷). هرمان (Herman) معتقد است: بحران‌ها را به سه ویژگی می‌توان از دیگر رویدادهای ناخوشایند ممتاز کرد: ۱. غیرمنتظره بودن؛ ۲. تهدیدزا بودن؛ ۳. محدود بودن به زمان واکنش به آن (هرمان، ۱۹۶۳، ص ۶۲). در مجموع، در قالب تعاریفی اصطلاحی از بحران، تعاریف متعددی بیان شده است که می‌توان آنها را در قالب چهار رویکرد اصلی دسته‌بندی نمود:

اول) رویکرد سیستمی: در این تعریف، آنچه مهم است شناخت و کنترل عواملی است که نظام را دچار بحران می‌کنند. پرو (Perrow) با تفاوت قایل شدن بین حادثه و بحران، «بحران» را اختلالی عمده می‌داند که عکس حادثه، کل نظام را از کار بازمی‌دارد و آن را با مشکلات عمده روبه‌رو می‌کند و حیات آن را به مخاطره می‌اندازد (پرو، ۱۹۸۴، ص ۳۳).

دوم) رویکرد ارگانیکی: «این تعریف، بحران را یک "نقطه عطف" در تحول و توسعه یک رویداد یا یک ارگانیسم معرفی می‌کند. در همین مسیر بحران «نقطه حساس» را شامل می‌شود که در نهایت ممکن است ناشی از یک تحول متناسب و خوب و یا نامساعد باشد؛ مانند مر و زندگی، تخاصم یا دوستی، تعادل یا ناپایداری» (رابرت، ۱۹۸۸، ص

امور که در آن یک تغییر اساسی قریب‌الوقوع است، بخصوص با یک احتمال بسیار نامطلوب؛ مانند آثار یک بحران مالی؛ ب. وضعیتی که به مرحله بحرانی رسیده؛ مانند یک بحران زیست‌محیطی (marriam-webster, 2006, p.296). «بحران» لفظ یونانی و معرب است و معادل واژه «Crisis» در انگلیسی است که ریشه یونانی آن krisis به معنای نقطه عطف در بیماری است. در فرهنگ چینی، واژه بحران معادل فرصت خطرناک است؛ یعنی ترکیبی از تهدید و فرصت. فرهنگ آریان‌پور واژه Crisis را بحران، شور، سرگشتگی، نقطه عطف، سختی و پریشان‌حالی معنا کرده است (آریان‌پور، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۲۰۳).

فرهنگ دهخدا: بحران را این‌گونه تعریف می‌کند: «بحران تغییر حال بیمار است از حالی به حالی یا بهتر یا بدتر» (دهخدا، ۱۳۷۲، ص ۳۷۹۶). در فرهنگ عمید بحران «آشفته‌گی و تغییر حالت، تغییر حالت ناگهانی مریض تبار که منجر به بهبودی یا مر او بشود» تعریف شده است (عمید، ۱۳۴۰، ص ۱۳۸). به اصطلاح اطبا، بحران عبارت است از: منازعت طبیعت با مریض، شدت ناگهانی بیماری، و تغییری که بیمار را پیدا آید در تب (دائرةالمعارف جامع اسلامی، ۱۳۸۹، ص ۳۸۲).

در هر صورت، واژه بحران به یک تغییر و تحول ناگهانی اشاره دارد که از قبل پیش‌بینی نمی‌شده است. می‌توان جمع‌بندی زیر را از معنای واژه «بحران» به دست آورد: «سرگشتگی بهتر یا بدتر شدن ناگهانی، آشفته‌گی، سردرگمی یا اضطراب، آشوب، نقطه عطف، نزدیک شدن به خطر، سختی و پریشان‌حالی، شدیدترین مرحله سختی، رنج کشیدن» و... (بشیر، ۱۳۸۷، ص ۵۵-۵۱).

در تعریف اصطلاحی نیز به عقیده چارلز مک کلند (Charles Mechland) در پنجاه سال گذشته از منظرهای گوناگون تحقیقاتی و با رویکردهای متفاوت

وارد می‌کنند و آنها را به تلاش و تدبیر خردمندانه فرامی‌خوانند، نوعی فرصت تلقی می‌شوند (روشندل اربطانی، ۱۳۸۷، ص ۳۷).

۱-۲. بحران اجتماعی

«بحران اجتماعی» در یکی از این دو حالت آغاز می‌شود:

۱. نظام سیاسی، حقوقی و اقتصادی حاکم، به تدریج، دارای چنان مفاسد و ناهنجاری‌هایی شده باشد که محدودیت‌ها، دردها و رنج‌ها، و ضررهایی که متوجه همه یا اکثر مردم می‌گردد بیشتر از حظه‌ها و نصیب‌ها، لذات و خوشی‌ها، و نفع‌هایی باشد که عاید آنان می‌شود؛ ۲. پرده‌های ناآگاهی و بی‌خبری مردم و یا فریب و نیرنگ دستگاه حاکمه چنان دریده شده باشد و به یک سو رفته باشد که همگان دریابند از همان اول دچار خسران بوده‌اند. احساس غبن و خسران‌زدگی اگر به درجه‌ای معین از عمومیت و سیطره برسد، می‌تواند منشأ بحران اجتماعی و خروج جامعه از وضع و حالت «تعادل» و «توازن» شود و مردم را به اندیشه براندازی نظام حاکم و بر سر کار آوردن نظامی دیگر فرو ببرد؛ خواه نظام حاکم مقصر باشد، خواه قاصر؛ یعنی چه از سر علم و عمد مصالح و منافع عمومی را پایکوب و لگدمال کرده باشد و چه به سبب جهل و بدون سوء نیت، زمینه ضایع شدن حقوق مردم را فراهم آورده باشد (مصباح، ۱۳۶۸، ص ۳۵۹).

۲. مصادیق قرآنی بحران اجتماعی

قرآن کریم به تحولات اجتماعی توجه دارد و در بسیاری از آیات به بحران‌های اجتماعی در جوامع بشری اشاره داشته است. آن زمان که از قصص اقوام پیشین سخن می‌گوید، گاه به برخی از این بحران‌ها اشاره دارد.

۴. رابینسون بحران را یک مقطع متراکم زمانی برای تصمیم‌گیری می‌داند که می‌تواند به دلیل حجم تهدیدهای ناشی از نوع تصمیم، مخاطرات بسیاری را متوجه منافع بازیگران سازد (رابینسون، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۴۵).

سوم) رویکرد علی: در این رویکرد، منشأ و علت بروز بحران مبنای تعریف است. برای مثال، از دیدگاه اقتصادی، ضعف عملکرد دولت و تصمیمات نابه‌جا و نسجیده در ارتباط با نظام اقتصادی، که به بحران‌های اقتصادی و مالی نظیر تورم، بیکاری، رکود، کسر بودجه و رخدادهای مشابه منجر می‌گردد به عنوان یک بحران تلقی می‌شود (اسماعیلی، ۱۳۸۸، ص ۱۴).

چهارم) رویکرد فرایندی: در این چارچوب، بحران عبارت است از وضعیتی که اولاً هدف‌های عالی و حیاتی واحد تصمیم‌گیرنده را تهدید می‌کند. ثانیاً، زمان واکنش را برای اتخاذ تصمیم محدود می‌کند. ثالثاً، عناصر و عوامل تصمیم‌گیرنده را با بروز ناگهانی خود غافلگیر می‌کند» (کاظمی، ۱۳۶۶، ص ۱۳). «بحران را می‌توان شرایط غیرعادی دانست که در آن، مشکلاتی ناگهانی و پیش‌بینی‌ناپذیر پدید می‌آیند و در چنین شرایطی، ضوابط، هنجارها و قوانین مرسوم، کارساز نخواهد بود» (باقری، ۱۳۸۰، ص ۳). بورنت (Bournet) بحران را انتهای طیفی می‌داند که با حادثه شروع می‌شود، با تعارض ادامه می‌یابد و به بحران که شدیدترین حالت به هم‌ریختگی است ختم می‌شود (بورنت، ۱۹۹۸، ص ۴۷۴).

به نظر می‌رسد تعریف چینی‌ها از بحران به عنوان یک فرصت و تهدید، تعریف منطقی‌تری است و تصور ما از بحران همان است که در فرهنگ چین از آن مراد می‌شود. در زبان ماندرین (Mandarin) بحران به معنای «فرصت پرخاطر» است (اولمرت، ۱۳۹۰، ص ۲۴). بحران‌ها از آن لحاظ که شوک یا ضربه‌ای ناگهانی به نظام‌های اجتماعی

۲-۱. بحران در قوم موسی علیه السلام

حساس و تعیین کننده است. از حوادث مهم سال پنجم هجرت که بنابر قول معروف، در ماه شوال آن سال اتفاق افتاد، می توان به جنگ خندق اشاره کرد که با توجه به کثرت سپاه و تجهیزات لشکریان قریش، و محاصره طولانی و نبودن آذوقه کافی در شهر مدینه، و دشواری وضع اقتصادی، کارشکنی های داخلی که از ناحیه یهود بنی قریظه و منافقان می شد و به سختی مسلمانان را تهدید می کرد، برای پیغمبر اسلام و پیروان آن بزرگوار یکی از سخت ترین جنگ ها و دشوارترین درگیری ها بود (رسولی محلاتی، ۱۳۸۹، ص ۴۱۵).

نبرد احزاب (خندق) یکی از حساس ترین غزوات پیامبر اکرم در طول دوران بعثت ایشان می باشد؛ چراکه در این نبرد سپاه اسلام از جانب سه گروه مورد هجوم های روانی و فیزیکی قرار گرفت. گروه نخست، کفار بودند که از طوایف و قبایل مختلف گردهم آمده و با تمام توان قصد حمله به مدینه مرکز حکومت پیامبر صلی الله علیه و آله و نابودی اسلام را داشتند. گروه دوم، یهودیان ساکن در مدینه بودند که مانند ستون پنجم عمل کرده و قصد ضربه زدن و غافلگیر کردن مسلمانان را داشتند و گروه سوم، منافقانی بودند که در میان مسلمانان به شایعه پراکنی و جنگ روانی می پرداختند و قصد داشتند اراده مسلمانان را سست نمایند. بنابراین، می توان جنگ «احزاب» را بحرانی تمام عیار دانست که به لطف الهی و مدیریت و رهبری خردمندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله کنترل و مدیریت شد. مهم ترین اصولی که پیامبر اکرم به کار بستند عبارتند از: پیش بینی و ایجاد آمادگی، آگاهی بخشی، پیش گیری، پاسخ دهی سریع، بازسازی، حذف عوامل بحران زاء، و مطالعه و بررسی بحران. قرآن کریم در آیات اولیه سوره «احزاب» به این بحران اشاره می کند (احزاب: ۲۷-۲۹).

گمراهی و تباهی فکری، از بارزترین و روشن ترین مصادیق بحران زدگی یک جامعه است. بحران فکری و روانی موجب سرگردانی و حیرانی می گردد و جامعه را از مسیر حقیقی خود دور می نماید. گمراهی قوم بنی اسرائیل در زمانی که موسی علیه السلام به فرمان خداوند چهل روز به کوه طور رفته بود، گویای بحران عظیم در قوم بنی اسرائیل است. موسی علیه السلام بعد از بازگشت از کوه طور، قوم خود را گوساله پرست یافته و تلاش های خود را از دست رفته دید. او به عنوان رهبر و مدیر الهی تلاش کرد بنی اسرائیل را از این بحران نجات دهد؛ از این رو، اصولی را به این منظور به کار بست. مهم ترین این اصول عبارتند از: پیش بینی و ایجاد آمادگی، پیش گیری، پاسخ دهی سریع، آگاهی بخشی، برخورد قاطعانه با عوامل بحران زاء، حذف عوامل بحران زاء، و مطالعه و بررسی بحران. موسی علیه السلام با سامری که عامل بحران بود به شدت برخورد کرد؛ وی را از قوم بنی اسرائیل اخراج نمود، ابزار بحران زایی (گوساله) که ساخته بود، از بین برد و تلاش نمود بنی اسرائیل را از این بحران فکری نجات دهد. آیات متعدد قرآن کریم به این موضوع اختصاص دارد و خداوند متعال در سوره های «بقره»، «نساء»، «اعراف» و «طه» به بیان جریان انحراف بنی اسرائیل پرداخته است (بقره: ۵۱-۵۴؛ نساء: ۱۵۳؛ اعراف: ۱۴۲-۱۵۴؛ طه: ۸۵-۹۷).

۲-۲. جنگ احزاب بحرانی تمام عیار

جنگ، نمونه ای روشن و کامل از یک بحران تمام عیار است. در میانه جنگ، ترس، فشار، اضطراب، نگرانی، غافلگیری و تمامی علایم بحران رخ می دهد و در این بین، نقش مدیران و رهبران در کنترل بحران بسیار مهم و

۳. مفهوم بحران در قرآن کریم

«بحران» مفهومی امروزی است که در ادبیات مدیریتی، علوم سیاسی و علوم اجتماعی معاصر تولید گردیده و نمی‌توان تعریفی عینی برای این مفهوم در قرآن کریم یافت. از این رو، به منظور دستیابی به تعریف قرآنی از بحران، مفاهیم معادل قرآنی بحران را یافته و در یک چارچوب تحلیلی، واژگان مرتبط را بررسی می‌نماییم. روش انتخاب واژگان قرآنی و مرتبط با بحران، بر اساس دو ملاک صورت گرفته است: اولاً، بر اساس حوزه معنایی واژگان قرآنی که این واژگان به مفهوم بحران نزدیکند و دارای کاربردی تقریباً مشابه می‌باشند. ثانیاً، برخی از واژگان هستند که دارای مصادیق مشترک با مفهوم بحران می‌باشند و بر اساس همین مصادیق، کاربردهایی همسان دارند.

این روش نوعی نگاه معناشناسانه ایزوتسویی به منظور فهم مفاهیم قرآن کریم است؛ چراکه ایزوتسو معتقد است: «بهترین راه برای توصیف مقوله معنایی یک واژه، به وسیله شرایط و اوضاع و احوال کاربرد آن است» (ایزوتسو، ۱۳۷۸، ص ۲۷). ایزوتسو معتقد است: برای فهم معنای یک واژه باید شرایط حقیقی و اجتماعی کاربرد آن مورد بررسی قرار گیرد. ما نیز تلاش می‌کنیم بر اساس حوزه کاربرد و مصادیق مشترک، به فهم مفهوم بحران در قرآن کریم بپردازیم.

۳-۱. بلا

این واژه از ماده «بلی» و به معنای امتحان است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۱۴۶). حال این امتحان می‌تواند دو گونه باشد: به معنای مصیبت و اندوه و یا امتحان نعمت برای رشد و تعالی بنده. اگر وجه نعمت بودن بلا به عنوان بستری برای رشد و تعالی را در نظر بگیریم، این واژه در این معنا دارای بار ارزشی مثبت است و اگر آن

را مصیبت و تهدید تعریف نماییم، دارای بار ارزشی منفی است. «بحران» مفهومی دوگانه از تهدید و فرصت است. این واژه در مورد خداوند به معنای اظهار احکام قدر و ابراز آنچه در مخلوق به ودیعه گذاشته، می‌باشد که در این صورت، با اظهار استعداد در جهان خارج، ثواب و عقاب الهی بر آن مترتب می‌گردد. ابتلاء، نعمتی از ناحیه حق جهت ظهور استعداد است و بنده‌ای که سر آن را دریابد طلب زیاده می‌نماید (خرمشاهی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۱۳). بلا به معنای آزمایش است و بلا خدا بر بنده عبارت است از احداث امری در زندگی او که مقتضی دگرگونی حال وی گردد و بنده در پیش آمد آن امر ایمان خود را بسنجد و بر خودش روشن شود که در دعوی ایمانش به خدا صادق بوده یا کاذب. ﴿وَتَبْلُوكُمْ بِالنَّارِ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً﴾ (انبیاء: ۲۱)؛ و شما را از راه آزمایش به بد و نیک خواهیم آزمود. پس آنچه در این مرحله به خدا مربوط است، ایجاد عامل آزمایش است و اما خود آزمایش به بنده مربوط می‌شود (دشتی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۶۸).

بلا و امتحان به اشکال مختلف ممکن است رخ دهد. ممکن است به صورت عمومی باشد و همگان را به این صورت امتحان کنند: ﴿إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَّهَا لِنَبْلُوَهُمْ أَهْلُهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا﴾ (کهف: ۷)؛ ما آنچه را روی زمین است زینت آن قرار دادیم، تا آنها را بیازماییم که کدامینشان بهتر عمل می‌کنند. نیز ممکن است حوادث ناگواری مانند فقر، ناامنی و خسارت‌های مالی و جانی باشد: ﴿وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ﴾ (بقره: ۱۵۵)؛ قطعاً همه شما را به چیزی از ترس، گرسنگی، و کاهش در مال‌ها و جان‌ها و میوه‌ها، آزمایش کنیم.

بنابراین، مفهوم بلا در معنای مثبت، آزمایشی است الهی که بسته به آزمایش‌شونده می‌تواند غضب و یا لطف

۲-۳. حرب

واژه «حرب» نقیض سلم و معادل جنگ است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۳۰۳). آنچه ارزش (مثبت یا منفی) این مفهوم را مشخص می‌کند، جهت و هدف آن است. برای مثال، جنگ پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مقابل کفار (انفال: ۵۷) دارای بار ارزشی مثبت است؛ بنابراین، بعضی از مصادیق حرب ممکن است دفاع مشروع باشد (فیض الهی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۳) و در این معنا «حرب»، واژه‌ای دارای بار ارزشی مثبت است. همان‌گونه که ذکر شد، «حرب» مفهومی دوگانه است که اگر در مسیر حق و حقیقت باشد، دارای بار ارزشی مثبت و اگر در مسیر تجاوز و در راه باطل باشد، دارای بار ارزشی منفی است. این واژه در قرآن کریم در دایره مفاهیم منفی مانند جنگ با خدا و پیامبر (بقره: ۲۷۹) نیز به کار رفته است و مصادیق آن، توسل به زور و خشونت نامشروع خواهد بود (فیض الهی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۳). وجه منفی «حرب» و جنگ همچون وجه مثبتش، از جمله مصادیق بحران‌های اجتماعی هستند و از این رو، رابطه آنها با مفهوم بحران، عام و خاص مطلق است و بحران اجتماعی مفهومی عام‌تر از حرب و جنگ است.

جهاد نیز از جمله مفاهیمی است که با مفاهیمی همچون «حرب» و جنگ ارتباط معنایی دارد و در برخی ابعاد و انواع، دارای مصادیق مشترک می‌باشد. این کلمه از ریشه «جهاد» به معنای «وسع، طاقت، سختی و مشقت» است. جهاد و مجاهد، تلاش توأم با رنج است. «مجاهده» به معنای به کار بردن آخرین حد وسع و قدرت در دفع دشمن است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۰۸). «جهاد» با «بحران» ارتباط معنایی مستقیم ندارد؛ جهاد اسلامی عملی آگاهانه و در جهت حل بحران اجتماعی می‌باشد، لکن بحران وضعیتی ناخودآگاه و غافلگیرانه

الهی باشد، و از برخی روایات می‌توان استنباط کرد که بلا برای مؤمن لطفی است خداوندی، که هرچه درجه ایمان وی بالاتر رود، بلا نیز بیشتر می‌شود. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «قَالَ إِنَّ فِي كِتَابِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ أَشَدَّ النَّاسِ بَلَاءَ النَّبِيِّونَ ثُمَّ الْوَصِيِّونَ ثُمَّ الْأُمَّثُلُ فَالْأُمَّثُلُ وَإِنَّمَا يَبْتَلِي الْمُؤْمِنُ عَلَى قَدْرِ أَعْمَالِهِ الْحَسَنَةِ فَمَنْ صَحَّ دِينُهُ وَحَسَنَ عَمَلُهُ اشْتَدَّ بَلَاؤُهُ وَ ذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ - عَزَّ وَجَلَّ - لَمْ يَجْعَلِ الدُّنْيَا ثَوَابًا لِمُؤْمِنٍ وَ لَأَعْقَابَهُ لِكَافِرٍ وَ مَنْ سَخَفَ دِينَهُ وَ ضَعَفَ عَمَلَهُ قَلَّ بَلَاؤُهُ وَ أَنَّ الْبَلَاءَ أَسْرَعُ إِلَى الْمُؤْمِنِ التَّقِي مِنَ الْمَطْرِ إِلَى قَرَارِ الْأَرْضِ» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۲۵۸)؛ همانا سخت‌ترین بلاها از آن پیامبران است، سپس وصیان و به همین ترتیب، و همانا مؤمن به اندازه ارزش اعمال حسنه‌اش مبتلا به بلا می‌شود، پس هرکه دینش سلامت باشد و عملش نیکو، بلایش سخت‌تر می‌شود و آن به این خاطر است که خداوند - عزوجل - دنیا را به عنوان پاداش مؤمن و عقوبت کافر قرار نداده است و هرکس دینش سخیف، و عملش ضعیف بگردد، بلاش کم می‌شود و همانا بلا به بنده متقی سریع‌تر می‌رسد از باران به زمین.

در مجموع، «بلا» و «بلی» به معانی امتحان و آزمایش بانعمت و یا بانقمت، کهنه‌نشدنی و همیشگی، روشن شدن و آشکار شدن، فهمیدن، سختی، و مصیبت و اندوه در قرآن کریم به کار رفته است که در بسیاری موارد جنبه اجتماعی دارد. اگر ما «بحران» را مفهومی دوگانه از تهدید و فرصت بدانیم، می‌توانیم بین این تعریف از بحران و مفهوم «بلا» در معنای مثبت، که فرصت و لطفی برای رشد کمال‌بندگان است و معنای منفی آن، که غضب الهی است، ارتباط معنایی برقرار کرده و بلا را از مصادیق «بحران» در جامعه دینی بدانیم؛ بنابراین، نسبت این دو مفهوم عموم و خصوص مطلق خواهد بود.

و گاه خداوند بر قوم و ملتی و یا فردی به علت عناد و لجاج آنها در برابر اوامر پروردگار، عامل تخلیصی جز آنچه ملازم هر کس بود، مانند بسیاری یا فقر عمومی یا گرفتاری فردی، برانگیزد که در چنان فتنه‌ای جامعه تخلیص شود و افراد سالم از ناسالم جدا گردند:

﴿إِنَّا مُرْسِلُوا النَّاقَةِ فِتْنَةً لَّهُمْ﴾ (قمر: ۲۷)؛ ناچه را برای آزمایش آنها می‌فرستیم.

﴿فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ﴾ (نور: ۶۳)؛ پس آنان که فرمان او را مخالفت می‌کنند، باید بترسند از اینکه فتنه‌ای دامانشان را بگیرد.

﴿وَأَتَقُوا فِتْنَةً لَّا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً﴾ (انفال: ۲۵)؛ از فتنه‌ای بپرهیزید که تنها به ستمکاران شما نمی‌رسد، بلکه همه را فرا خواهد گرفت؛ چراکه دیگران سکوت اختیار کردند.

دوم) انسان به‌مثابه فراهم‌آورنده فتنه: پدیدآورنده آن بشر باشد؛ مانند عقاید شرک‌آلود، کیش‌های باطل، مذاهب انحرافی، کارشکنی و نفاق:

﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ﴾ (بقره: ۱۹۳)؛ با آنها بیکار کنید تا فتنه باقی نماند. به قرینه تقابل فتنه و دین، منظور از فتنه در این آیه شرک است (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ج ۹، ص ۶۲۴).

﴿لَقَدْ ابْتَعُوا الْفِتْنَةَ مِن قَبْلُ وَقَلَّبُوا لَكَ الْأُمُورَ﴾ (توبه: ۴۸)؛ آنها پیش از این (نیز) در پی فتنه‌انگیزی بودند، و کارها را بر تو دگرگون ساختند (دستی، ۱۳۸۵، ج ۴، ص ۵۱۸).

این آیه به فتنه‌افکنی منافقان در جنگ تبوک اشاره دارد؛ یعنی: قسم می‌خورم که منافقان به طور مسلم پیش از این جنگ خواهان فتنه و محنت و اختلاف کلمه و تفرقه اجتماع شما بودند، همچنان‌که در جنگ احد عبد‌الله بن ابی‌بن سلول یک ثلث از جمعیت سپاهیان شما را از صحنه جنگ به طرف مدینه برگردانید و از یاری رسول

است. البته اگر جهاد را نوعی جنگ محسوب نماییم، مصداقی از یک بحران اجتماعی خواهد بود و یا راه‌حلی برای مدیریت و کنترل بحران‌های اجتماعی.

۳-۳. فتنه

فتنه هم در سختی و هم در آسایش همراه انسان است و انسان را از آن گریزی نیست، ولی معنی این واژه در شدت و سختی آشکارتر و به کاربردنش بیشتر است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۶۲۳). در مجموع، «فتنه» در قرآن کریم در معانی گوناگونی همچون آزمایش، شکنجه و آزار، بت‌پرستی، شرک و سدّ راه مؤمنان، گمراهی و اضلال و بلا و عذاب به کار رفته است. تمامی این معانی بیان‌کننده شرایط و یا مصادیقی بحرانی هستند (بقره: ۱۹۳؛ مائده: ۴۱ و ۴۹؛ اعراف: ۱۵۵؛ انفال: ۲۵؛ توبه: ۴۸؛ عنکبوت: ۲ و ۱۰؛ حج: ۱۱؛ تغابن: ۱۵؛ بروج: ۱۰؛ فرقان: ۲۰؛ انبیاء: ۳۵؛ قمر: ۲۷؛ نور: ۶۳). در یک تحلیل کلی از واژه فتنه در قرآن کریم، دو برداشت امکان‌پذیر است و بسته به فاعل آن، می‌تواند معنای متفاوتی داشته باشد.

اول) آزمایش الهی: پدیدآورنده، عامل آزمایش و تخلیص‌گر خداوند است که به مقتضای آفرینش بشر به منظور تحقق تکلیف و تعدیل اراده، وی را به عواملی همچون زن و فرزند و مال و مقام و فقر و غنا در معرض تخلیص قرار می‌دهد و او را متذکر می‌گردد که در برابر این عامل جداسازنده خویشتن را مهیا سازد:

﴿وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ﴾ (انفال: ۲۸)؛ بدانید که اموال و اولاد شما وسیله آزمایش است.

﴿وَجَعَلْنَا بَعْضَكُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَةً﴾ (فرقان: ۲۰)؛ و بعضی از شما را وسیله امتحان بعضی دیگر قرار دادیم.

﴿وَتَبْلُوكُم بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً﴾ (انبیاء: ۳۵)؛ و شما را با بدی‌ها و خوبی‌ها آزمایش می‌کنیم.

خروج عده‌ای از مسلمانان به کفر، خارج شدن از تعادل، از هم پاشیدن نظام (آسمان‌ها و زمین)، سرقت مسلحانه و ایجاد رعب، ناامن کردن جامعه، معصیت و کفر و تباه کردن ملک و حکومت (بقره: ۱۱؛ اعراف: ۱۲۷ و ۱۲۸؛ انفال: ۷۳؛ مائده: ۳۲ و ۶۴؛ انبیاء: ۲۲؛ مؤمنون: ۷۱؛ هود: ۱۱۶).

همه این معانی نمونه‌ای از وقوع یک بحران در جامعه دینی است و بروز هر یک از آنها به تنهایی می‌تواند یک بحران اجتماعی را منجر شوند. مفهوم «فساد» با مصادیق ذکر شده با مفهوم «بحران» با مصادیقی همچون، اضطراب، فشار، خشونت، تردید و تهدید ارتباط معنایی دارد و دارای وجوه مشترک بسیاری است. بنابراین، فساد می‌تواند از جمله مصادیق بروز یک وضعیت بحرانی باشد. نسبت این دو مفهوم نیز عموم و خصوص مطلق است. جامعه‌ای که به دست مفسدان دچار فساد شود، جامعه‌ای بحران‌زده است و بروز فساد، نمایانگر نوعی بحران است.

۳-۵. بغی

این لغت به معانی «ظلم، فساد، عدول از حق، تجاوز، سرکشی» می‌باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۱۳۷). قاموس قرآن این واژه را این‌گونه معنا می‌کند: «طلب توأم با تجاوز از حد. این معنی با مطلق تجاوز قابل جمع است؛ زیرا تجاوز از طلب جدا نیست؛ هر جا که تجاوز هست طلب نیز هست» (قرشی، ۱۳۷۸، ج ۱-۲، ص ۲۰۷). این واژه در قرآن کریم در معانی مختلفی همچون ستم کردن، تجاوز کردن، از حد گذشتن، سزاوار و شایسته بودن، زینده بودن، طغیان و ایجاد فساد، زنا، حسادت و دشمنی، ظلم و تکبر و طلب فضل به کار رفته است (بقره: ۹۰ و ۲۱۳؛ انعام: ۱۴۵؛ نور: ۳۳؛ مریم: ۹۲؛ شوری: ۲۷؛ ص: ۲۲؛ یس: ۹۲؛ قصص: ۷۶).

«بغی» و «باغی» را می‌توان عاملی برای بروز حالت

خدا ﷺ دریغ نمود (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۳۹۰). واژه «فتنه» به معنای آزمایش و امتحان الهی، یکی از مصادیق بحران به معنای شرایط تحول مساعد یا نامساعد است. هر فتنه‌ای (آزمایش الهی) می‌تواند یک بحران اجتماعی باشد؛ بحران به معنای فرصت و تهدید، اما هر بحرانی یک فتنه نیست، بلکه بحران اجتماعی مفهومی گسترده‌تر و وسیع‌تر است و مصادیق دیگری نیز دارد؛ در نتیجه، نسبت مفهوم فتنه به معنای اول با بحران، عموم و خصوص مطلق است.

فتنه به معنای دوم نیز با بحران ارتباط معنایی دارد؛ چراکه در این معنا، فتنه‌انگیزان جامعه را گمراه و شرک و بت‌پرستی را ترویج می‌کنند، سد راه مؤمنان شده، مانع رشد آنان می‌گردند و زنان و مردان مؤمن را شکنجه و آزار می‌دهند و در کل، جامعه اسلامی را دچار نوعی بحران می‌کنند. معنای دوم مفهوم «فتنه» نیز با مفهوم «بحران» اجتماعی ارتباط دارد و یکی از مصادیق آشکار بحران در جامعه اسلامی است. نسبت این معنی از فتنه نیز همچون معنای قبلی این واژه با بحران، عموم و خصوص مطلق است.

۳-۴. فساد

این لغت به معنی تباه شدن و خروج از حالت اعتدال است؛ خارج شدن از حد اعتدال، چه کم و چه زیاد؛ کلمه «فساد» ضد صلاح است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۶۳۶). یکی از مشتقات پرکاربرد این لغت نیز در قرآن کریم کلمه «مفسد» است. مفسد مصادیق گوناگونی دارد: گناهکار، قاتل، مهاجم و سفاک، مدعی خدایی، کافر، شرک، نافرمان از پیامبران، عامل منکرات و... (قصص: ۷۷؛ مائده: ۳۲؛ هود: ۱۱۶؛ غافر: ۲۶). «فساد» در قرآن کریم وجوه معانی مختلفی دارد؛ نظیر آشوب کردن، گناه کردن، سد راه خدا نمودن، تقویت کفر و تضعیف اسلام،

بحرانی دانست. هرگاه در جامعه‌ای عده‌ای زیاده‌طلبی کنند و از حد تعادل تجاوز کرده و حقوق دیگران را ضایع کنند، طبیعتاً بخشی از جامعه را دچار فشار، بلا، تهدید و اضطراب خواهند کرد، و سبب رخداد بحران در جامعه می‌شوند. بغی می‌تواند نمونه‌ای از بحران در جامعه انسانی باشد که روابط طبیعی را تحت تأثیر قرار داده، نظم موجود را بر هم می‌زند. همان‌گونه که قارون در قوم موسی علیه السلام زیاده‌طلبی می‌کرد: ﴿إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ﴾ (قصص: ۷۶)؛ قارون از قوم موسی بود، اما بر آنان ستم کرد. بنابراین، بغی مصداقی از بحران است. اما مفهوم «بحران» مفهومی گسترده‌تر است و نسبت این دو مفهوم، نسبت عموم خصوص مطلق می‌باشد.

۷-۳. عَمَهُ

«عَمَهُ» در لغت یعنی: سرگردانی؛ راغب اصفهانی آن را سرگردانی ناشی از حیرت گفته است؛ دودلی و تردید داشتن در کار از روی تحیر و سرگردانی (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۵۸). این کلمه به صورت فعل «یعمهون» هفت بار در قرآن کریم آمده و همه این هفت بار درباره کفار و منافقان است (بقره: ۱۵؛ انعام: ۱۱۰؛ اعراف: ۱۸۶؛ یونس: ۱۱؛ حجر: ۷۲؛ مؤمنون: ۷۵؛ نمل: ۴). یکی از آثار دوره بحران، سرگردانی و تحیر است. همان‌گونه که ذکر شد، در زمان بحران، حادثه و اتفاق روی داده غیرمنتظره است و زمان واکنش به آن بسیار محدود؛ در نتیجه، بحران‌زدگان دچار سرگردانی و بی‌تصمیمی می‌شوند و در نهایت، نمی‌توانند شرایط بحران را کنترل و مدیریت کنند. از این رو، می‌توان «عمه» را از مصادیق و آثار وقوع بحران دانست. لکن ذکر این نکته لازم است که سرگردانی موردنظر قرآن حاصل از یک عامل درونی و نقص در اعتقاد به خداوند است که آفتی در قلب منافقان و کفار بوده، آنان را دچار سرگردانی

۶-۳. رَعِبَ

«رَعِبَ» در لغت به معنای ترس است (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۷۱)، راغب اصفهانی آن را لاعلاجی از کثرت خوف معنا کرده (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۳۵۶). طبرسی نیز در مجمع‌البیان آن را «خوف و فزع» معنا کرده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۸۵۷). در مجموع، «ترس»، «لاعلاجی»، «گم کردن خود» و «دستپاچه شدن» از جمله معانی این واژه می‌باشند. واژه رعب در قرآن کریم در ۵ مورد استعمال شده است که در ۴ مورد اشاره به ایجاد ترس در دل‌های کفار و مشرکان توسط خداوند متعال (آل عمران: ۱۵۱؛ احزاب: ۲۶؛ انفال: ۱۲؛ حشر: ۲) و یک مورد هم مربوط به هیبت اصحاب کهف است (کهف: ۱۸)، در نتیجه، این واژه نمی‌تواند ارتباط چندان مستقیمی با وضعیت بحرانی داشته باشد و تنها در برخی موارد محدود اشتراک دارند. بحران در برخی موارد همراه با ترس و رعب است، لکن همگی بحران‌ها ترس‌آور نیستند؛ برای مثال، در یک

می‌کند و در یک بحران اجتماعی عمیق فرو می‌برد. بنابراین، می‌توان نسبت مفهوم «عمه» و مفهوم «بحران» را عموم و خصوص مطلق دانست و از سرگردانی به نوعی بحران یاد کرد.

۳-۸. تیه

واژه «تیه» به معنای سرگردانی، گمراهی در مسیر و کبر و غرور آمده است (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۳۴۴). این واژه در قرآن کریم تنها در آیه ۲۶ سوره «مائده» آمده است. یتیهون از ماده «تیه» به معنای سرگردانی است، ولی بعد این نام (تیه) به بیابانی گذارده شد که بنی اسرائیل در آن سرگردان بودند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۳۴۳). این آیه بر سرگردانی قوم بنی اسرائیل به سبب عدم اطاعت از خداوند متعال و دستورات موسی عليه السلام در بیابان سینا اشاره دارد.

باید دقت داشت که اگر این واژه صرفاً گم شدن در راه به معنای مادی و فیزیکی تعبیر گردد، دیگر نمی‌توان میان این مفهوم و بحران اجتماعی ارتباطی برقرار کرد. درحالی‌که همانا اصل مشترک در ماده این واژه تحیر در طریق هدایت است. استعمال تکبر به عنوان معانی دیگر از این واژه از آن‌روست که فرد متکبر از خود حالتی را نشان می‌دهد که گویای حقیقت وی نیست، فرد متکبر به مبدأ و مرجع خود توجه ندارد و از وظیفه خویش غافل است. اصل واژه «تیه» حیرت و گمراهی است (ضلال) و متکبر به این دلیل گمراه (تائها) نامیده می‌شود که حالتش به حالت گمراهی و ضلالت شباهت دارد (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۴۳۹). سرگردانی و گمراهی یکی از حالات بحران‌زدگی است و جامعه‌ای که نتواند مسیر هدایت خویش را بیابد به تعبیر قرآن، گمراه و سرگردان شده است. تنها کاربرد جمعی این واژه بیانگر یک بحران اجتماعی

است. بنابراین، ارتباط این مفهوم و مفهوم بحران، عموم و خصوص مطلق می‌باشد؛ بحران عام و تیه خاص است.

۳-۹. کبد

«کبد» به معنای مشقت و سختی است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۶۹۵). این واژه در قرآن یک بار آمده و مراد از آن در آیه مشقت و سختی است (بلد: ۴). می‌توان نسبت مفهوم «کبد» و «بحران» را این‌گونه تحلیل کرد که کبد مطلق سختی‌ها و رنج‌ها در زندگی انسانی را شامل می‌شود، و بحران وضعیتی خاص در روند زندگی بشری می‌باشد؛ چه این رنج ذهنی و روحی باشد، چه جسمی و فیزیکی. بحران را از آن جهت بحران گویند که دربردارنده نوعی فشار و تهدید و سختی است؛ هر بحرانی همراه با رنج و سختی، به هر کیفیت و کمیتی.

لکن مفهوم «کبد» در مقایسه با بحران اجتماعی مفهوم عام‌تری است؛ چراکه بسیاری از رنج‌ها و سختی‌ها را نمی‌توان بحران دانست؛ زیرا بسیاری از مصادیق «کبد» خالی از وضعیتی بحرانی و دارای ویژگی‌هایی همچون اضطراب، لاعلاجی و غافلگیری هستند. در کل، می‌توان گفت که هر بحرانی همراه کبد و سختی است، اما هر سختی و رنجی یک بحران نیست. پس نسبت میان این دو واژه عموم خصوص مطلق است که عام، کبد و خاص بحران می‌باشد.

۳-۱۰. عسر و حرج

«عسر» در مقابل «یسر» قرار می‌گیرد و به معنی شدت سختی و مضیق در امور مادی یا معنوی است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۸، ص ۱۲۶). کلمه «عسر» و مشتقات آن به سختی معشیت و دشواری‌های زندگی در اشکال مختلف اشاره دارند که در قرآن کریم در معانی مختلفی همچون

گروهی از انسان‌ها اشاره دارد. در برخی کاربردها هم در صیغه جمع به کار رفته و اشاره به مشکلی جمعی دارند: ﴿إِنَّ تَعَاْسُرْتُمْ فَسْتَزِيْعٌ لَّهُ الْآخِرَى﴾ (طلاق: ۶). این دو واژه بر سنت الهی در نظام خلقت اشاره دارد که هم افاده انفراد دارد و هم افاده جمع (انشراح: ۵ و ۶).

هر دو شکل این تنگناها در بحران اجتماعی دیده می‌شود و هرگاه بحران رخ دهد، بسته به نوع بحران، فشارهای فکری و روحی و سختی مادی حتماً رخ خواهد داد؛ از این رو، بحران اجتماعی می‌تواند از جمله وضعیت‌هایی باشد که سبب «عسر» و «حرج» شود. در نتیجه، نسبت میان دو واژه «عسر» و «حرج» و مفهوم بحران اجتماعی، عموم و خصوص مطلق است. لکن «عسر» و «حرج» مفاهیمی عام‌ترند و برخی دشواری‌ها را که حالتی بحران‌گونه ندارند نیز شامل می‌شوند؛ مانند مؤخذه و تنبیه که در اثر اشتباه رخ می‌دهد.

۱۱-۳. ضرر

واژه «ضرر» و مشتقات آن در قرآن، همگی بر نوعی ضرر، زیان، پریشان‌حالی و... در انسان اشاره دارند (توبه: ۱۰۷؛ مائده: ۷۶؛ انبیاء: ۸۴؛ هود: ۱۰؛ روم: ۳۳؛ یونس: ۲۱؛ زمر: ۴۹؛ فصلت: ۵۰). برای مثال، کلمه «ضرر» به فتح «ض» مطلق ضرر و زیان است مقابل نفع، و «ضرر» به ضم، به معنی بدحالی است (قرشی، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۱۷۶) و یا واژه «ضراء» به معنای بلا و مضرتی است که از حال پریشان صاحبش خبر دهد. این کلمه حکایت از احوال ظاهری است و دلالت بر مبالغه دارد (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۰، ص ۴۷). این عبارت و مشتقات آن، به سختی و گرفتاری اشاره دارند که از ویژگی‌های یک حالت بحرانی است و در برخی موارد، ثمره و نتیجه یک بحران است. مفهوم «ضرر» در قرآن کریم و مفهوم «بحران» دارای

سختی زندگی و معیشت، نقطه مقابل یسر، تنگدستی مالی و سختی در اقتصاد و دیگران را به سختی انداختن به کار رفته است (بقره: ۲۸۰؛ توبه: ۱۱۷؛ طلاق: ۶؛ قمر: ۸؛ شرح: ۵ و ۶). «حرج» در لغت به معنای «سختی، تنگی، فشار و دشواری» است. این لغت و مشتقات آن در قرآن کریم ۱۵ مرتبه به کار رفته‌اند و دال بر تنگنا و دشواری است (نساء: ۶۵؛ اعراف: ۲؛ انعام: ۱۲۵؛ توبه: ۹۱؛ مائده: ۶؛ حج: ۷۸؛ نور: ۶۱؛ احزاب: ۳۷، ۳۸ و ۵۰؛ فتح: ۱۷). مفهوم «حرج» دو نوع تنگنا و گرفتاری را بیان دارد؛ تنگنای روحی و فکری و تنگنای ظاهری و مادی. بنابراین، هر دو واژه مذکور، هم بر سختی‌های مادی اشاره دارند و هم بر سختی‌های معنوی و روانی.

دو واژه «عسر» و «حرج» هم به مشکلات و سختی‌های فردی اشاره دارند و هم به معضلات و مصائب اجتماعی. در اینجا، به برخی از کاربردهای اجتماعی این واژگان اشاره می‌شود: ﴿يُرِيْدُ اللّٰهُ بِكُمْ الْاَيْسَرَ وَ لَا يُرِيْدُ بِكُمْ الْعُسْرَ﴾ (بقره: ۱۸۵)، ﴿لَا يَجِدُوْا فِىْ اَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَ يَسْلُمُوْا تَسْلِيْمًا﴾ (نساء: ۶۵)، ﴿مَا يُرِيْدُ اللّٰهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ﴾ (مائده: ۶). انحلال معنای آیات مذکور در انفراد، نیازمند قرینه است و یا در آیات قرآن کریم از سختی قیامت بر کافران خبر می‌دهد و «الکافرین» گویای دسته و گروهی از انسان‌ها و اشاره به یک جریان فکری است: ﴿كَانَ يَوْمًا عَلٰى الْكٰفِرِيْنَ عَسِيْرًا﴾ (فرقان: ۲۶)، ﴿يَقُوْلُ الْكٰفِرُوْنَ هٰذَا يَوْمٌ عَسِيْرٌ﴾ (قمر: ۸). البته توصیف حالات قیامت به سختی و دشواری، وصفی برای حالت است و این وصف، وصفی است مربوط به حالت جمعی و جهانی و در موارد فوق قرینه دال بر جمعی بودن حالت مذکور است: ﴿فَذٰلِكَ يَوْمًا تَمِيْدٌ يَوْمٌ عَسِيْرٌ﴾ (مدثر: ۹). ﴿لِكَيْ لَا يَكُوْنَ عَلٰى الْمُؤْمِنِيْنَ حَرَجٌ﴾ (احزاب: ۳۷). این آیه نیز بر جمعی و

می‌گیرند. واژه‌های «حرج»، «کبد»، «ضرر» و «عسر» مفاهیم موسعی هستند که بحران اجتماعی یکی از مصادیق آنها می‌باشد. در نهایت، سه واژه «حرب»، «رعب» و «قتال» وجوه اشتراک و افتراقی با بحران‌های اجتماعی دارند.

از نگاه قرآن، واژه‌های «فساد»، «بغی»، «تیه» و «عمه» دارای بار ارزشی منفی است و در نظر قرآن کریم، شرایط و موضوعاتی که این واژه‌ها بر آن اطلاق دارد وضعیتی مورد پسند قرآن نیست و امری منفی توصیف می‌شود. اما دو واژه «فتنه» و «بلاء» همان‌گونه که ذکر شد، دو وجهی بوده، می‌توانند زمینه سعادتمندی و یا هلاکت را فراهم کنند؛ اگر بنده در میادین آزمایش‌های الهی موفق و سربلند باشد، به سعادت گامی نزدیک شده و اگر در این آزمون‌ها موفق نباشد در مسیر هلاکت قرار می‌گیرد.

دسته سوم از واژه‌هایی که با مفهوم «بحران» و بحران‌های اجتماعی مرتبط بودند، واژه‌های بدون بار ارزشی خاص است. «حرج»، «کبد»، «ضرر» و «عسر» نشان‌دهنده سختی و تنگنا هستند و از تحلیل این واژه‌ها می‌توان این نتایج را به دست آورد که بحران به عنوان یک شرایط سخت و دشوار مطلوب خداوند متعال نیست؛ باید آن را دوره‌ای گذار و زمینه‌ای برای رشد دید، لکن این دشواری‌ها در طبیعت و ناموس زندگی انسانی جاری است. با توجه به دو واژه «حرب» و «قتال»، بحران و مفهوم بحران امری دو چهره و دوگانه است، بسته به نوع، نیت و کیفیت آن، می‌تواند امری مثبت و یا منفی باشد. اگر منشأ آغاز بحران از ناحیه خداوند متعال باشد، آن را باید آزمونی الهی و نعمتی ارزشمند دانست که در صورت موفقیت و کنترل بحران، رشد و تقرب را منجر می‌شود. اما بحران‌های اجتماعی بشرساخته که نیتی نفسانی منشأ آن است، تهدیدی برای جامعه دینی بوده و آن را به سرازیری سقوط سوق می‌دهد و باید درصدد مدیریت و کنترل آنها بود.

معانی و مصادیق مشترک هستند و همان‌گونه که بحران با سختی و مشقت همراه است، «ضرر» نیز از گرفتاری و سختی سخن می‌گوید و ارتباط این دو مفهوم، عموم و خصوص مطلق خواهد بود.

۳-۱۲. قتل و قتال

از مشتقات کلمه «قتل» (کشتن) قتال و اقتال هستند که بر یک موضوع طرفینی و دوطرفه اشاره دارند. این واژه، در موردی به کار می‌رود که هریک از طرفین تصمیم و تلاش در کشتن طرف دیگر را دارد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۶۵۵).

آنجایی که مفاهیم «قتل» و «قتال» خارج از مسیر الهی مطرح است، می‌توان آن را نمونه و مصداقی از وقوع یک بحران اجتماعی دانست (مائده: ۳۲). روشن است که قتل بدون دلیل شرعی و در مسیری خارج از مسیر الهی، جامعه انسانی را دچار بحران می‌کند و در بیان قرآن کریم، حتی اگر قتل یک فرد صورت گیرد و قتل عام عمومی نباشد، به قدری این عمل دارای آثار سوء اجتماعی است که گویی جمیع مردم را کشته است: «فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا» (مائده: ۳۲)؛ چنان است که گویی همه انسان‌ها را کشته است. البته قدر متیقن آن است که قتل عام عمومی را می‌توان از مصادیق بحران اجتماعی به‌شمار آورد. در نتیجه، می‌توان گفت که مفهوم «قتل» و «قتال» در برخی موارد از مصادیق «بحران» اجتماعی هستند و می‌توان ارتباط این دو مفهوم را عموم خصوص من وجه دانست.

جمع بندی

از مجموع واژه‌هایی که بررسی شد، واژه‌های «فتنه»، «فساد»، «بغی»، «بلاء»، «عمه» و «تیه» از مصادیق وقوع بحران اجتماعی در جامعه انسانی بوده و در ذیل این مفهوم جای

نتیجه‌گیری

در قرآن کریم به وقوع بحران‌های اجتماعی متعددی در اقوام مختلف اشاره شده است، لکن واژه‌ای که معادل دقیق «بحران اجتماعی» باشد ذکر نشده است، بلکه در پویایی تحلیلی به واژگانی دست یافتیم که شرایط، مصادیق و نتایج یک بحران اجتماعی را بیان می‌نمایند. تحلیل واژگان مذکور نتایجی اینچنین به دست می‌دهد:

الف. وقوع بحران اجتماعی و مصادیق آن فی‌نفسه امری پسندیده و مطلوب قرآن نیست. با توجه به مصادیق ذکر شده که ارتباط معنایی مستقیمی با مفهوم بحران اجتماعی دارند، می‌توان نتیجه گرفت که بحران‌زدگی و مواجهه منفعلانه با آن از نگاه قرآن، امری منفی است و آنان که در مسیر حق حرکت نکنند دچار آن خواهند شد؛ یعنی مشرکان و منافقان.

ب. قرآن کریم در دیدگاهی فعال و پویا، بحران اجتماعی و وقوع آن را طبیعت خلقت جامعه انسانی می‌داند. سختی‌ها و گرفتاری‌های بشری سنت الهی در نظام خلقت است. بحران امتحانی حتمی است که هیچ قوم و گروهی از آن مستثنا نمی‌گردد. در ادبیات قرآنی، بحران امری غیرمنتظره و غافلگیرکننده نیست، بلکه انسان مؤمن باید رویارویی و گرفتاری به سختی‌ها و بحران‌ها را از سنت‌های الهی بداند و به آن همچون فرصتی برای رشد و کمال بنگرد.

ج. بحران از نگاه قرآن، آزمونی است که هم می‌تواند فرصت باشد و هم تهدید. نیز مفهومی است دوجهبی که هم می‌تواند بستر رشد و تعالی باشد و هم بستر ضلالت و گمراهی.

د. رویکرد قرآن به بحران اجتماعی رویکردی فعال است و از مواجهه منفعلانه با بحران‌های اجتماعی نهی می‌کند و در نتیجه، اتخاذ الگو و مشی مدیریت فعال بحران‌های اجتماعی را در هدایت و کنترل آنان موجب می‌گردد.

منابع

- آریان‌پور کاشانی، منوچهر، ۱۳۷۷، *فرهنگ پیش‌رو آریان‌پور*، تهران، جهان رایانه.
- آقایی، سیدداود، ۱۳۸۷، «نقد و بررسی نظریه‌های مطرح درباره نقش رسانه در مدیریت بحران»، *پژوهش‌های ارتباطی*، سال پانزدهم، ش ۵۶، ص ۲۷-۷.
- ابن‌منظور، محمدبن مکرّم، ۱۴۱۴ق، *لسان‌العرب*، بیروت، دارصادر.
- اسماعیلی، علیرضا، ۱۳۸۸، *مدیریت بحران در حوزه ترافیک و حمل و نقل*، تهران، دانشگاه علوم انتظامی.
- اولمرت، رابرت آر، ۱۳۹۰، *ارتباطات بحران، تبدیل بحران به فرصت*، ترجمه مرتضی قلیچ و محمدحسن خطیبی بایگی، تهران، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
- ایزوتسو، توشیهیکو، ۱۳۷۸، *مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن مجید*، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- باقری، مصباح‌الهدی، ۱۳۸۰، «جنبه‌هایی از مدیریت بحران پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم»، *اندیشه صادق*، سال دوم، ش ۳ و ۴، ص ۷۳-۴۴.
- برچرر مایکل و ویکلفند جاناناتان، ۱۳۸۲، *بحران، تعارض و بی‌ثباتی*، ترجمه علی صبحدل، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بشیر، حسن، ۱۳۸۷، «رسانه‌ها و معناشناسی بحران»، *پژوهش‌های ارتباطی*، سال پانزدهم، ش ۵۵، ص ۲۹-۹.
- تاجیک، محمدرضا، ۱۳۷۹، *مدیریت بحران: نقدی بر شیوه‌های تحلیل و تدبیر بحران در ایران*، تهران، فرهنگ گفتمان.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۵، *تفسیر تسنیم*، قم، اسراء.
- حیدری، مصطفی، ۱۳۸۶، *مسئله مفهومی مدیریت بحران در عملیات کربلای ۵ و والفجر ۸*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین، ۱۳۷۷، *دانش‌نامه قرآن و قرآن‌پژوهی*، تهران، دوستان.
- دائرةالمعارف جامع اسلامی*، ۱۳۸۹، تهران، مؤسسه فرهنگی آرایه.
- دائرةالمعارف قرآن کریم*، ۱۳۸۵، قم، بوستان کتاب.
- دشتی، سیدمصطفی، ۱۳۸۵، *معارف و معارف: دایرةالمعارف جامع اسلامی*، تهران، مؤسسه فرهنگی آرایه.
- دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۷۷، *لغت‌نامه دهخدا*، تهران، دانشگاه تهران.

Burnet, John, 1998, "A Strategic Approach to Managing Crisis", *Public Relation Review*, v. 24, n. 4, p. 475-488.

Herman C.F., 1963, "Some Consequences of Crisis which limit the Viability of Organizations", *Administrative Science Quarterly*, n. 8, p. 61-82.

Merriam Webster, 2006, Springfield, Massachusetts.

Perrow, C., 1984, *Normal Accident*, New York, Basic Books.

Robert, Jonathan, 1988, *Decision-Making during International Crisis*, London, Macmillan Press.

رابینسون، جیمز، ۱۳۷۵، بحران، در گزیده مقالات سیاسی و امنیتی، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، مترجم.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت، دارالعلم الدارالشامیه.

رسولی محلاتی، سیدهاشم، ۱۳۸۹، *زندگانی حضرت محمد خام‌النبین صلی الله علیه و آله*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

روشندل اربطانی، طاهر، ۱۳۸۷، «نقش مدیریت رسانه در تحول بحران از تهدید به فرصت»، *پژوهش‌های ارتباطی*، سال پانزدهم، ش ۵۵، ص ۱۴۱-۱۶۲.

طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۷۴، *تفسیر المیزان*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین.

طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، ناصر خسرو.

طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵، *مجمع البحرین*، تهران، کتاب‌فروشی مرتضوی.

عمید، حسن، ۱۳۶۹، *فرهنگ فارسی عمید*، تهران، امیرکبیر.

فیض‌الهی، روح‌الله، ۱۳۸۹، *نقد و بررسی ترور در قرآن کریم*، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام.

قرشی، سیدعلی‌اکبر، ۱۳۷۸، *قاموس قرآن*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

کاظمی، علی‌اصغر، ۱۳۶۶، *مدیریت بحران‌های بین‌المللی*، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل.

کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۳۶۵، *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

مصباح، محمدتقی، ۱۳۶۸، *جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن*، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.

مصطفوی، حسن، ۱۳۶۰، *التحقیق فی الکلمات القرآن‌الکریم*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

معاونت سیاسی نمایندگی ولی‌فقیه در نیروی مقاومت بسیج، ۱۳۸۱، *گونه‌شناسی بحران‌ها و راه‌کارهای مقابله با آن*، تهران، میثاق.

مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

مک‌کارتی، شاون، پی، ۱۳۷۸، *نقش اطلاعات در مدیریت بحران: درآمدی محور دوقطبی مصرف‌کننده و تولیدکننده اطلاعات*، ترجمه محمدرضا تاجیک، تهران، فرهنگ گفتمان.